

افلاطون و حکمت سقراطی

* محمد ایلخانی

دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

در باب اندیشه و شخصیت سقراط نویسندگان یونان باستان آراء مختلفی عرضه کرده‌اند. در عصر حاضر نیز مورخان فلسفه باستان یونان کوشیده‌اند از آثار اندیشمندان یونانی، بخصوص از آثار افلاطون، سقراط تاریخی را بیابند. سعی ما بر یافتن و تبیین آراء سقراط تاریخی نیست، بلکه در نظر داریم تا اثبات کنیم برخلاف آنچه مشهور است، نزد افلاطون افکار و شخصیت واحدی را برای سقراط نمی‌توان یافت. سقراط دوره جوانی افلاطون دیالکتیکی با زبان تک‌معنایی، مردمی و طرفدار تربیت شهروندان، سیاسی و بدون فلسفه سیاست خاص، خردمندترین فیلسوف اخلاق بدون نظریه‌پردازی در این باب، متعهد به ساختار دین مدنی یونان و سلبی و نقاد است. در آثار دوره میانسالی به سقراط‌هایی به عنوان فیلسوف مجنون، فیلسوف عاشق، شهودگرا که از روش دیالکتیکی می‌گذرد، ایجابی و نظریه‌پرداز، با زبان اسطوره‌ای، گاهی نقاد سقراط دوره نخست، تابع و مرید راهنمای روحانی، در مقابل مردم و برگزیده‌گرا، آرمانگرا با فلسفه سیاسی خاص و با برداشتی باطنی و اسرارآمیز از دین برمی‌خوریم. نقش سقراط در آثار اواخر دوران میانسالی و کهنسالی افلاطون کاهش می‌یابد، تا جایی که در جامعه «قوانین» جایگاهی ندارد؛ چنان‌که اگر می‌داشت شاید سرنوشت سقراط رساله «اپولوژی» در انتظارش می‌بود.

کلیدواژه‌ها: دیالکتیک، اسطوره، حکمت، عشق، زیبایی، جنون، اخلاق، آرمانگرایی، ادیان اسرارآمیز، دین مدنی.

Plato and Soczatic Wisdom

Mohammad Ilkhani, Ph.D.

Associate Professor, Department of Philosophy
College of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University

Abstract

Greek writers pronounced different opinions about Socrates, personality and thought. Nowadays historians of Greek philosophy have also tried to discover the historical Socrates as he is presented in Greek thinker's works, especially those of Plato. Our aim is not to find and explain the historical thought of Socrates, but to prove that, contrary to what is currently admitted, there is not one Socrates in Plato's works. In the First Period of Plato's career, Socrates is a dialectician with unequivocal language, who addresses the mass and aims to educate them. He is political, but does not put forward a particular political philosophy. He is also the wisest moralist, but does not hold a philosophy of ethics. While he supports the literal meaning of civil Greek religion, he also criticizes tradition. In the Middle Period we encounter a number of Socrates: the mad philosopher, the lover philosopher, the intuitive philosopher who surpasses dialectics, the theoretician. He uses mythological and esoteric language, sometimes criticizes the first Socrates, and seeks a spiritual guide. In this second period he is an elitist who is in contrast with the mass, an utopist with a political philosophy in addition to one of ethics, and understands religion as having a mysterious and esoteric meaning. Plato accords Socrates a lesser role in works from the end of his Middle Period and in his Late Period. It seems that Plato takes distance from Socrates until he disappears in the Laws. We could say that if he had any place in the society of this latter treatise, he should perhaps suffer the same fate as he did in the Apology.

Keywords: dialectics, myth, wisdom, love, beauty, madness, utopist, mystery religions, civil religion.

* دکتری فلسفه از دانشگاه بروکسل، دانشیار گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.